

کرد و کردستان

دکتر محمد صالح ابراهیمی (شه پول)

۱- شکایت از دوست

زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری کرد، تا امروز کم‌تر با روش تحقیقی، علمی، بررسی و مطالعه شده است و در این راه ما ایرانیان از هر قوم و ملتی بیش‌تر کوتاهی کرده‌ایم. در حالی‌که همبستگی نژادی ما را نه ابتدایی و نه انتهایی‌ست. در ازای این همبستگی چه قدمی جهت شناساندن قسمتی از خانه‌ی خود و ساکنانش برداشته‌ایم؟ هیچ! - کتاب‌هایی که در این زمینه به‌وسیله‌ی محققان ایرانی نوشته شده‌اند، آن‌قدر ناچیز است که در یک کیف دستی می‌توان آن‌ها را جا داد. مجموعه‌ی کتاب‌های کردی و کردشناسی که به‌وسیله‌ی دانشمندان ایرانی نوشته شده‌اند و در کتابخانه‌ی ما ایرانیان در دسترس عمومی قرار دارد به اندازه‌ی یک قفسه‌ی معمولی نمی‌شود، در حالی‌که کتابخانه‌ی موجود در اروپا و امریکا بخش وسیعی به کردستان و کردشناسی اختصاص دارد و آن‌قدر کتاب و مجله در این زمینه در آن‌ها دیده می‌شود که ما ایرانی‌ها از دیدن آن‌ها در عین شعف و شادمانی باید به‌قول حافظ بگوییم: آن‌چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد.

۲- ادبیات موجود

بسی جای تاسف است که چنین است ما ایرانیان بررسی و پژوهشی در خور سرزمینی چون کردستان (البته کردستان و مردم کرد غرب ایران نتوانسته یا حداقل نخواستیم کاری را انجام دهیم.



دکتر محمد صالح ابراهیمی (شه پول)

قدم‌هایی که توسط پژوهندگان و محققان در زمینه‌ی شناخت کرد و کردستان، برداشته شده عبارتند از:

الف- در زمینه‌ی ترجمه: ۱- با این رسوایی چه بخشایشی؟ (تحلیل مسائل سیاسی کردستان) نوشته‌ی جانانان رندل ترجمه به فارسی ابراهیم یونسی، انتشارات پانید: ۲- تاریخ معاصر کرد، مک داوول، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، نشر نی: ۳- روابط ترکیه و ایران و مساله‌ی کرد، نوشته‌ی رابرت امن، نشر پانید: ۴- قیام شیخ سعید پیران، نوشته‌ی رابرت السن، نشر پانید: ۵- آغا، شیخ، دولت، نوشته‌ی مارتین وان بروئن سن، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، نشر پانید: ۶- کردها و کردستان، نوشته‌ی درک کینان، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه: ۷- کردها، نوشته‌ی وانلی کندال، نازدار ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، انتشارات روزبهان: ۸- جنبش ملی کرد، نوشته‌ی کریس کوچرا، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه: ۹- کردها، ترک‌ها و عرب‌ها، نوشته‌ی سی، جی، ادموندز، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، چاپ ۱۳۷۶، انتشارات روزبهان.

ب- در زمینه‌ی تالیف، ژنرال احسان نوری پاشا کتاب ریشه‌ی نژادی کرد، به فارسی، چاپ ۱۳۳۲ ش، تهران: ۲- نگاهی به تاریخ مهاباد، تحقیق و تالیف سیدمحمد صمدی، چاپ ۱۳۷۳ ش، انتشارات روهرو، ۳- نظری به تاریخ و فرهنگ سقز تحقیق و تالیف عمر فاروقی چاپ ۱۳۷۴ ش، ۳- مونوگرافی سقز تالیف و تحقیق و مصطفی کاوه، چاپ ۱۳۷۰ ش، چهر تبریز: ۴- شورشی کردهای ترکیه، تالیف و تحقیق کاوه بیات تهران: ۵- قهرمانان ملت کرد از آغاز تاریخ تا نهضت ژنرال مصطفی بارزانی رهبر کبیر همیشه جاوید ملت کرد، تالیف و تحقیق علامه‌ی استاد محمدسعید ابراهیمی (آویر) به زبان کردی به نثر و به شعر، چاپ ۱۳۸۲ ش، تندیس نقره‌ی تهران: ۶- تاریخ کرد و کردستان آیت‌الله شیخ محمد مردوخ شهیر و نامدار کردستانی: ۷- دکتر رشید یاسمی کرمانشاهی، تاریخ کرد و پیوستگی نژادی و تاریخ او به شیوه‌ی سانسور و با فشار رضاخان تحریر گردیده که خود در آن کتاب اعتراف و عذرخواهی کرده است: ۸- تالیفات کلیم‌الله توحیدی در زمینه‌ی (حرکت کردها به خراسان) در ۷ مجلد.

۳- کرد و کردستان

استرابون، کسنفون و منابع ارمنی، طبری، ابن مسکویه، مسعودی، ابن‌اثیر، ابن‌خلکان، دینوری و دیگر مورخان اسلامی، تاریخ ملون و روشنی از تاریخ زندگی کردها به‌دست نمی‌دهند، بعضی از آنان کردها را سلحشورانی خستگی‌ناپذیر و دیرآشنا و سرسخت و بیابان‌گرد،

یادی دیگر از سادات ناصری و همکارانش

دکتر عباس کی‌منش

استاد دانشگاه تهران

در مقاله‌یی که به مناسبت سالگرد وفات استادم، فقید سعید دکتر سیدحسین سادات ناصری استاد دانشگاه تهران در قلم آورده و در گرامی‌نامه‌ی حافظ شماره‌ی ۲۳ نیمه‌ی اول بهمن ۱۳۸۴ با عنایات خاص جناب پروفیسور دکتر سیدحسین امین به چاپ رسانیده‌ام، از سر غفلت «تصحیح دیوان کلیم کاشانی» را به کوشش استاد سادات ناصری به سهوی جبران‌ناپذیر «با همکاری ادیب و شاعر نامدار معاصر، استاد مشفق کاشانی» قلمداد کرده‌ام. استاد مشفق کاشانی از راه شاگردنوازی تلفنی نگارنده‌ی این سطور را از این خطای فاحش آگاه فرمودند که این شرم‌زده رازبان تشکر در برابر این کرامت استاد عاجز است.

دیوان کلیم کاشانی گذشته از تصحیح استاد بیژن ترقی و نیز **دیوان کامل کلیم کاشانی** با مقدمه و حواشی و تعلیقات استاد مهدی افشار و هم‌چنین تصحیح و مقدمه و تعلیقات **دیوان ابوطالب کلیم همدانی** به همت استاد محمدهرمان و... تصحیح دیگری از **دیوان کلیم کاشانی** به کوشش استاد دکتر سادات ناصری و استاد محترم صدری انجام می‌گرفت که با وفات استاد سادات ناصری (۱۴ بهمن ۱۳۶۸) کار ناتمام ماند.

در خردادماه سال ۱۳۶۹ در جلسه‌یی که این جانب در منزل استاد سادات ناصری تشکیل دادم، همسر استاد نسخه‌های خطی متعلق به استاد مهدی صدری را با حضور استاد مشفق کاشانی و خانم دکتر نوشین دخت سادات ناصری و خود این جانب به استاد صدری عنایت فرمودند که استاد برابر آن چه را که در مقدمه‌ی **دیوان کلیم کاشانی** صفحه‌ی هشتاد و هفت نوشته‌اند با نسخه‌ی دیگری که به‌دست آورده‌اند و سایر کارهای انجام شده‌ی خود کار تصحیح را به اتمام رسانیده که به‌وسیله‌ی نشر همراه در دو مجلد به چاپ رسیده است و نگارنده‌ی این سطور بر لغزش رفته از خود از محضر حضرت استاد صدری صمیمانه پوزش می‌طلبید و از تذکر و دقت نظر استاد مشفق کاشانی از بن جان سپاسگزاری می‌نماید.

نکته‌ی در خور ذکر دیگر این که در کار تصحیح **دیوان صائب تبریزی** استاد فقید مهرداد اوستا و نیز استاد مشفق کاشانی رأساً شرکت نداشتند و هم‌چنین موضوع تصحیح **دیوان صائب** را از استاد مستی «علی‌اکبر کنی‌پور» تلفنی سوال کردم؛ ایشان فرمودند: «در این کار خاص با استاد شرکت نداشتیم اما در مدت سی و پنج سال دوستی کارهای مشترک دیگری انجام داده‌ام که در نزد استاد بوده و تاکنون به چاپ نرسیده است». ولیکن بخش مهمی از تصحیح دیوان کلیم و هم‌چنین دیوان صائب در نزد خانواده‌ی استاد موجود است، همت قوی باید ادامه کار را و چاپ آن. از آن جا که حفظ امانت نگارش این مهم را در بایست می‌نمود آن چه را که نگارنده در خاطر داشت در قید کتابت آورد.

معرفی می‌کنند و بعضی دیگر با آوردن داستان‌هایی خرافاتی و افسانه‌آمیز اصل و نسب کردها را مشخص کرده‌اند، برخی با گرایش غلط و نادرست، گردان را به اعراب منسوب داشته‌اند. در کتاب‌های اسلامی آگاهی درباره‌ی کردها غالباً یک‌نواخت بوده و نشان می‌دهد که از یک منبع گرفته شده است، مثلاً با مراجعه به کتاب‌های مسعودی متوجه می‌شویم که تا چه اندازه مورخان اسلامی درباره‌ی اصل و نسب گردان بی‌راه رفته‌اند. در هر صورت باید اذعان داشت که از میان نوشته‌های دست و پا شکسته است که می‌توان اطلاعات مفیدی، راجع به تاریخ سیاسی و اجتماعی ملت اصیل کُرد به‌دست آورد. **تاریخ الامم و الملوک طبری و الکامل ابن‌اثیر** را در میان کتاب‌های مورخان اسلامی، می‌توان بهترین و مهم‌ترین منابع اسلامی درباره‌ی کردها دانست؛ چه این دو تن در روزگاری می‌زیستند که پهنه‌ی کردستان میدان تاخت و تاز گردنکشانی بود که می‌خواستند امرا و سلاطین ملت کُرد را مطیع خود سازند.

اطلاعاتی که ابن‌اثیر و طبری درباره‌ی حکومت‌های مستقل کُرد، مانند: حسنبویهان، روادیان، مروانیان، شدادیان و بنوعتاز ارائه داده‌اند، آگاهی‌هایی است که مستقیماً اخذ کرده‌اند، بنابراین تا اندازه‌یی امیدبخش و مورد اطمینان و اعتماد می‌تواند باشد، در این میان آن چه جای تأسف است، این است که در تمامی کتبی که در سده‌های اولیه‌ی اسلامی نوشته شده است گاه به جنبش‌های سیاسی و فرهنگی ملت کُرد اشاره رفته است و نام بسیاری از مشاهیر آنان آمده است. ولی هرگز ملیت روشنی به ایشان داده نشده است و آنان را در میان دیگر چهره‌های اسلامی ناشناخته گذرانده‌اند؛ به‌قول شاعر نامدار کُرد حاجی قادر «له به ربی ده رفته ری و ن بوین وفانی». به‌طوری که خواننده می‌پندارد، که هرگز نام‌آوری از میان ملت کُرد برنخاسته است و آنان همیشه در حال خوش‌نشینی روزگار گذرانده‌اند؛ اما ملت کُرد قهرمانان بزرگ، اندیشمندان، فیلسوفان، مورخان، ادیبان، مفسران، محدثان، عرفا و علمای فراوانی را در دامن خود پرورش داده است. کسانی مانند سلطان صلاح ایوبی، صلاح‌الدین بن ایوب بن شادی در مصر و سوریه دمشق حکومت کرده است (۱۱۸۶ - ۱۲۶۱) و در حلب (۱۱۸۳ - ۱۲۶۰) و در یمن (۱۱۷۳ - ۱۲۲۹). کریم‌خان زند (حال ۱۱۶۳ هـ. ق / ۱۷۵۰ م)، شیخ اشراق (شهاب‌الدین یحیی بن حبش سهروردی ۵۴۹ - ۵۸۷ هـ. ۱۱۵۴ - ۱۱۹۱) مولف **حکمة الاشراق** و شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی (ت ۶۳۲ هـ - ۱۲۳۴ م) مولف **عوارف المعارف** و بغیة‌البیان فی تفسیر القرآن.

در **خدمات متقابل**، استاد شهید مطهری آورده که سهروردی شهرت در شمال غربی ایران، اهالی آن کُرد بودند، مغول‌ها در جنگ و حمله بر آن، آن را ویران و نابود کردند (ص ۱۴ **المنجد** در اعلام چاپ ۱۶ - لبنان ۱۹۸۲ م) این است که شفیعی کدکنی ادیب و شاعر نامدار معاصر، در یادبود ۸۱ سالگی محمد قاضی مترجم نامدار به شعر گفته:

قاضیا! نادره فردا! و بزرگا رادا!

سال هشتاد و یکم بر تو مبارک بادا!

فخر تاریخ و تبار همه‌ی ماست ز کُرد:

شیخ اشراق و نظامی دو تن از اکرادا

خان زند، آن که چنو مادر ایران کم زاد

رستم کُرد بُد اما نه که فرخ‌زادا

■ (بقیه در شماره‌ی بعد)